

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبانشناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

حرکات موزون آیینی در ایران باستان و هند

استاد راهنما
دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور
دکتر حمیده چوبک

پژوهشگر :

فاطمه شمسی

تیر ماه ۱۳۹۰

تقدیم به پدر و مادر عزیزم به پاس زحمات بی دریغشان...

در اینجا جا دارد که از دکتر زهره زرشناس، استاد راهنما و دکتر حمیده چوبک، مشاور عزیزم کمال تشکر را داشته باشم که بی شک اگر زحمات و پشتیبانی های ایشان نبود امروز این پایان نامه به بار نمی نشست.

در کنار آن مدیون مهربانی های پدر و مادر عزیزم هستم و همچنین دوستان خوبم که مرا در نگارش این پایان نامه یاری دادند.

چکیده

عنوان این رساله بررسی حرکات موزون آیینی در ایران و هند باستان است. هدف از آن اثبات ارتباط بین حرکات موزون بین این دو تمدن است. مذهب و نمایش از دیرباز در این دو سرزمین به هم تنیده بودند و نمود آن را در برگزاری آیین های نمایشی می توان دید. این رساله حاوی مقدمه و ۶ فصل می باشد. در فصل اول به اختصار سعی شده است که ارتباط و امتزاج فرهنگی تمدن های کهن را مورد بررسی قرار گیرد. در فصل دوم درآمدی بر پیشینه ی یوگا و برخی نماد های بنیادین و مشترک بین تمدن ایران و هند بیان شده است. در فصل سوم به بررسی اشتراکات اسطوره ای دو تمدن و در فصل چهارم به باختر پرداخته شده است، جایی که فرهنگ یونانی، هندی و ایرانی به هم می آمیزند. در فصل پنجم به بررسی حرکات موزون آیینی در هند و در فصل ششم به بررسی این حرکات در ایران پرداخته شده است. در انتها نیز دستاورد پژوهش در قالب نتیجه گیری آورده شده است، و در آنجا بر پایه ی شباهت های شواهد باستانشناسی یاد شده قدمت یکسان دو تمدن در هنر رقص به اثبات رسید.

کلید واژه : رقص، آیین، موسیقی، پیکره، نمایش، نیایش، ایران، هند

فهرست مطالب

۱۲	مقدمه
۱۴	پیشینه ی پژوهش و روش کار
۷	فصل اول – امتزاج فرهنگی تمدن های کهن
	- یخچه ی
	- ینه های فرهنگی ی نهایی ی
	1-3. ی ی ی- هاراپایی هند
	- محوطه های ی
	- پاکستان
	- پاکستان، ی ی ی
	- هزاره ی چهارم (-)
	-
	-
	- بیباچه ی ی ی (-)
	- هاراپا هند شواهد ی
	- فرهنگ مذهب:
	- ی:
	- کشف ی ی های ی
	- ی ینه ی یه ی هاراپا
۲۵	فصل دوم – درآمدی بر پیشینه ی یوگا و برخی نماد های بنیادین و مشترک
	- هاراپا- یی
	- ی ی هاراپایی
	- ی ینه ی ی
	- ی ی ی
	2-5. ی ی ی:
	- ی ی ی
	2-7 سانکھی ی
	- یکا
	-
۳۴	فصل سوم – شناخت اشتراکات دو تمدن ایران و هند
	- ی ی ی ی ی هخامنشی ی
	- ی ی ی ی ی هند

.....	پنه های پ	پ	هند اشتراکات فرهنگی پپی
۴۶	فصل چهارم - باختر		
.....
.....	فرهنگ یونانی- هندی
.....	سلوکیان
.....	قلمروهای هندی دیمتری
.....	پ فرهنگ کوشانی
.....	سلسله ی کوشانی
.....	کتبیه کانیشکا
.....	هنر ی
.....	هنر سلوکی
.....	پ پ هنر ی: پ
.....	پ ی هنری ی
.....	پ ی های پ

۸۴ فصل پنجم - جزئیات، مدارک و نمونه های حرکات موزون آیینی در هند باستان

.....
.....	نخستین هنر هندی
.....	آیین هندو هنر
.....	سیر مذهب هندوستان
.....	پی:
.....	حماسه ها:
.....	هندوکی ی هندوکی
.....	موسیقی هند
.....	هنر مذهب
.....	عروسی هند
.....	نمایش ها افسانه های هند
.....	های
.....
.....	اورپسا
.....
.....	تامیل
.....
.....	های سایه
.....
.....

..... ماه . - - -	
..... هاي . - - -	
..... ماه . - - -	
..... مانپور . - - -	
..... ها . - - -	
..... ساير . - - -	
..... يامپوري . - - -	
..... تشریفات مذهبي هنر عروسکی . - - -	
..... نمایش . - - -	
..... هند . - - -	
..... ی . - - -	
..... ی . - - -	
..... هند ی ی ی . - - -	
..... ی . - - -	
..... طبقة ی های ی هند . - - -	
..... هندی . - - -	
..... بهاراتا ی . - - -	
..... مفهوم ی هندی . - - -	
..... ی ی . - - -	
..... ها ی بهاراتاناتی . - - -	
..... بهداس . - - -	
..... نارتاکی . - - -	
..... های ی هند . - - -	
..... 1-10-5 کاتاکالی . - - -	
..... 2-10-5 کوچی پودی . - - -	
..... 3-10-5 موهید . - - -	
..... 4-10-5 ی . - - -	
..... 5-10-5 کاتاک . - - -	
..... 6-10-5 ی . - - -	
..... 7-10-5 پاکشاگانا . - - -	
..... های یله ی ی هند . - - -	
..... های ی ی . - - -	

.....	ی، نه یکی ی هندوان	- -
.....	های هند	- -
.....	ی حرکات ی یکره ی متحرک هند	- -
.....		- -
.....	ی نمونه‌هایی ی هندی	- -
.....	فصل ششم- جزئیات، مدارک و نمونه‌های حرکات موزون آیینی در ایران باستان	۱۷۹
.....	ی ی نه ی	- -
.....	ی یسه‌های ی ی	- -
.....	ی ی نه ی هزار ساله ی	- -
.....	دسته ی «تیه ی نه»	- -
.....	ی هزاره ی	- -
.....	ی هزاره ی چهارم ی تیه «یلک»	- -
.....	ی هزاره ی چهارم ی	- -
.....	ی هزاره ی چهارم «تیه»	- -
.....	ی هزاره ی چهارم «تیه»	- -
.....	ی نهاوند چهار هزار	- -
.....	ی ی ی یلک	- -
.....	ی نمونه ی «تیه یلک»	- -
.....	دسته چشمه ی	- -
.....	یلک	- -
.....	ی چشمه ی	- -
.....	«تیه ی»	- -
.....	ی ی به ی « ی»	- -
.....	ی مونه ی ی جنبه	- -
.....	ی ی کی هزاره ی «تیه ی» نهاوند	- -
.....	ی «کاسی» ها هزاره ی ی	- -
.....	ی «سماچه» تیه یحیی	- -
.....	ی نمونه دیگر سماچه ی ماسک جمشید	- -
.....	ی سه تیموران	- -
.....	ی دیگر تیموران	- -
.....	ی	- -
.....	یلک	- -
.....	ی هنر	- -
.....		- -
.....	ی	- -

حرکات موزون آیینی در ایران و هند باستان

..... ی ی - - . یینه ی عروسکی ی

..... شهر سوخته - - .

..... مادها هخامنشی تاریخ ایران - - .

..... پادشاهان - - .

..... هخامنشی - - .

..... کوروش - - .

..... یانه - - .

..... ی - - .

..... ی کبی - - .

..... ی ی - - .

..... ی ی ی ی ها - - .

..... ی که ی - - .

..... اشکانیان های مذهبی - - .

..... ی ی - - .

..... هنرهای ی ی - - .

..... های محکوک ی - - .

..... ی - - .

..... های ی - - .

..... ی هند ی ی - - .

..... ی - - .

..... مهرگان - - .

..... ی یک پهلو ی - - .

..... ی - - .

..... هندی i - - .

..... ی ی ی - - .

..... ی ی - - .

..... ی ی: - - .

..... ی ی ی جنبه های مشترک - - .

..... ی (کرب ی) - - .

..... ی به - - .

..... ی ی-ی- مذهبی ی - - .

.....	پیشه های پی پی پی های پیپی- مذهبی
.....	پی پی پی - های یانه
.....	پی
.....	هنرها آئین‌های نمایشی ایران، توجه به زمینه‌های	ها
.....	هنرها آئین‌های نمایشی	گیلان
.....	شبییه
.....	مایش‌ها های میدانی
.....	نمایش‌های عامیانه
.....	نمایش‌های عامیانه
.....	صحنه آرای	صحنه
.....
.....	اهی به پایگاه نمایش‌های عامیانه
.....	گفتار آخر	۲۷۵
.....	پیوست عکس‌ها بر پایه ی فصل‌ها	۲۷۶
.....	کتابنامه ی فارسی	۲۹۷
.....	کتاب‌ها ی غیر فارسی	۳۰۱

مقدمه

رقص به حرکت در آوردن هماهنگ اندام های بدن همراه با موسیقی است که بر اساس کشش و نیاز طبیعی به منظور احساس های فردی و اجتماعی و نیز برگزار کردن آئین ها اجرا می شود. همچنین رقص می تواند بازنمایی اندیشه و نمایش داستانی معین با بهره گیری از هنر صحنه پردازی باشد

انسان اولیه جهانی را می شناخت که در آن هستی اش را با پرندگان و حیوانات و گیاهان یکی کرده بود. بی شک نیاکان ما چنین احساساتی را بیشتر از یک بار تجربه کرده بودند، آنها از پرندگان و حرکات دیگر جانوران تقلید می کردند. حرکات نمادین اولیه ای که به تدریج نظمی طبیعی به خود گرفت و رقص نامیده شد. رقص هایی که در کمال خوشبختی تا این عصر به هستی خود ادامه داده اند. رقصندگانی که پوششی شبیه به پوشش حیوانات به تن می کردند و با این عمل به ارواح نیاکان شخصیت می بخشیدند، گویا ارواح شان در بازیگران دمیده می شوند و دوباره این جهان را ترک می کنند، با این کار آنها هر بار، مشارکت انسان را در نظم جهانی هستی تضمین می کنند. با این وصف، جهان تقلید شده و ابراز گشته، تنها جهان انسان نیست، بلکه جهانی است که با انسان و حیوانات و ارواح قسمت گشته، باعث تاسف است که این رقص های بنیادین در حال ناپدید شدن می باشند.

رقص ها به طور کلی بازتاب شرایط اقلیمی، تاریخ، فرهنگ، باور ها و موسیقی است. بنابراین تنوع شکل و هدف رقص ها به اندازه ی تنوع فرهنگ ها متفاوت است. به بیانی، آهنگ و موسیقی که در رقص وارد می شود، به جنبه های فوق اعتبار خاص می بخشد. بدن در طول آیین محل تمرکز می شود، در واقع، رقص هنر عرصه ی قوه ی روحانی و تغییر انسان طبیعت به انسان تربیت و پرورش است.

اولین بار که این موضوع نظر من را به خود جلب کرد یکی از جلسات کلاس فرهنگ بود که از زبان استاد شنیدم رقص یک شریعه است! این جمله مرا به فکر فرو داشت، با مطالعه ی بیشتر متوجه شدم که این هنر در این سرزمین درست همانند هند ریشه ای چند هزار ساله دارد و از آنجا که تا کنون تحقیق مستقلی در باب بررسی تطبیقی حرکات موزون آیینی بین این دو تمدن کهن که دارای ارتباطی دیرینه اند، نیافتیم، بر آن شدم که رساله خود را به ان اختصاص دهم.

بعد از غلبه قوم آریایی بر قوم دراویدی از یک سو قوم آریایی به تدریج تحت تأثیر فرهنگ و تمدن و سنت دراویدی و آب وهوا و محیط جدید خود قرار گرفت و از سوی دیگر دراویدی ها با تمدن و فرهنگ آریایی آشنا شدند و رفته رفته این دو قوم غالب و مغلوب تمدن مشترکی به وجود آوردند که در تاریخ هندوستان به تمدن و فرهنگ دوره ودایی مشهور و معروف است. سلطه ایرانیان در پنجاب سند و تصرف قسمتی از خاک هندوستان شمالی در دوره کوتاه سلطه یونانیان، موجب برخورد و نفوذ تمدن و فرهنگ ایرانی و یونانی در این شبه جزیره شد. پنجاب و سند به مثابه دروازه های بوده است که سه تمدن دنیای قدیم با هم اصطکاک پیدا کردند و در این حین افکار و اندیشه های هندی و ایرانی و یونانی با هم برخوردند و از یکدیگر متأثر شدند. و البته

در اینجا به حق باید از یکی از کهن ترین تمدنهای جهان یعنی تمدن دره ی سند که مهد شهر و تمدنی همچون هاراپا است که اغلب با آن یکی دانسته شده یاد کرد.

دهه های اخیر شاهد تلاشهای فزاینده ای در جهت شناساندن تاریخ و فرهنگ مردمان آسیای مرکزی بوده است. این مردمان سهم عمده ای در گنجینه ی تمدن جهانی داشته اند. آسیای مرکزی گاهواره ی یکی از تمدنهای باستانی و نیز محل تقاطع فرهنگهای بسیاری از مردمان کهن بوده که در آنجا به هم آمیخته اند. از این رو، پاسخ به بسیاری از رازهای ناگشوده تاریخ و فرهنگ مشرق زمین، باید در اینجا جستجو شود. بی تردید بررسی پیشرفتهای تاریخی و فرهنگی این منطقه نیاز به ژرفنگری بیشتری دارد و دست اندرکاران مطالعات آسیای مرکزی اهم بررسیهای خود را به تاریخ و باستان شناسی دوره کوشانی اختصاص داده اند، و یادمانهای بسیاری از این دوران را در هند (پاکستان کنونی)، افغانستان و ایران کشف کرده اند. همانطور که می دانیم، مرزهای ایران در دوره ساسانی علاوه بر ایران کنونی، سرزمین های بین النهرین، ارمنستان، آران، ماوراءالنهر تا رود سند را شامل می شد. این دوره از نظر دستاوردها و نوآوری های هنری، فرهنگی و معماری درخشان ترین دوره ی تمدن ایرانی شناخته شده است.

بسیاری برآنند که تئاتر زاده ی مذهب است، آغاز نمایش در هر سرزمینی را باید در آداب و رسوم و مناسک مذهبی همان قوم و در فعالیت های انسانی برای تنازع بقاء جست. در اساطیر هندو، از آفریدگار جهان، برهما، به عنوان Sutradhara یاد شده است - کسی که سر رشته نخها را به دست دارد. تمامی جهان بازیگاه اوست و همه مخلوقاتش همچون عروسکهای خیمه شب بازی، بازیچه ی دست او هستند. شناخت پیشینه ی نمایش عروسکی به ما در فهم تاریخی رقص - نمایش ها کمک می کند. چراکه گویی قبل از انسان ها این عروسک ها بودند که شروع به حرکت های معنا دار کردند، همانطور که شواهدی از این امر در تمدن های کهن هاراپا، جیرفت و شهر سوخته دیده می شود.

در هند سنت رقص و موسیقی دارای پیوستگی بوده و تقریباً در یک دوره ی سه هزار سال گسسته نشده است. سنت نمایشی هند، درام را تقلید anukaran یا حتی ابداع utpatti تلقی نمی کند. درام مکاشفه و تجلی لذت زیبایی شناختی (راز *rasa*) از خلال فرایند القا و اشاره است. القاء و اشاره نتیجه دستیابی به حالاتی است که به وسیله زبان حرکت ها، اداها و حالات بیانی نمایش داده می شود.

تئاتر سنتی و عامیانه هند مراحل تاریخی زیادی را پشت سر گذاشته و از هر یک تأثیر پذیرفته است، ویژگی های مشترکی کسب کرده که از خلال تفاوت زبان و پس زمینه می درخشد و آن این است که موسیقی، رقص و گفتار همه عوامل اساسی این تئاتر هستند.

این حرکات اولیه بی شک در همه ی جوامع اولیه کاربردی آیینی داشته است، در این رساله بر آنیم که با توجه به ارتباطات و تأثیرات فرهنگی، شباهت های موجود بین این حرکات بین دو تمدن کهن ایران و هند را بر اساس شواهد باستانی یافت شده به اثبات رسانیم. در ۶ فصل این رساله سعی شده به ترتیب در فصل اول به تأثیرات متقابل تمدن های کهن از دره سند تا جیرفت اشاره شود. فصل دوم درآمدی ست بر یوگا و پاره ای از نماد های بنیادین و مشترک مانند سواستیکا، فصل سوم در باب اشتراکات اسطوره ای ایران و هند. فصل چهارم به باختر، محل برخورد تمدن های یونانی، هندی و ایرانی پرداختیم. در فصل پنجم و ششم نیز به ترتیب به بررسی در باب رقص در تمدن های هند و ایران پرداخته شده است.

پیشینه ی پژوهش و روش کار

در باب تاریخچه ی حرکات موزون در ایران باستان بی گمان اولین منابعی که به ذهن خطور می کند مقالات دکتر ذکاء می باشد که در مجلات مختلف به چاپ رسیده که به بررسی رقص از ایران باستان تا ایران معاصر پرداخته است. در این رساله سعی شده است با استناد به منابع مختلف، تصویری کلی از سیر تدریجی این پدیده ی آیینی یعنی رقص، در این دو سرزمین، در طول تاریخ و تاثیر پذیری که از فرهنگ ها و هنر های دیگر پذیرفته ارائه شود. برای مثال در مورد ایران، از اولین اشیاء یافت شده ی متعلق به عهد باستان (قرن پنجم تا هزاره ی نخست پیش از میلاد) آغاز کرده ایم و تا به اولین امپراتوری های عظیم در ایران یعنی هخامنشیان، سلوکیان و اشکانیان و در نهایت ساسانیان و در کنار آن عناصر یونانی و هندی وارد شده در طی این دوران و در نهایت ایران امروز که کماکان میراث دار این حرکات آیینی ست، رسیده ایم. در مبحث هند نیز به بررسی شباهت های آن با تمدن هاراپا که یکی از کهن ترین تمدن های دره ی سند است که روزگاری جزء امپراتوری ایران به حساب می آمده پرداخته ایم و همچنین به بیان جایگاه رقص-نمایش در اساطیر و حماسه های آن تا به هند امروز همت گمارده ایم. این موضوع در مورد هند به علت کمبود منابع به خصوص منابع فارسی درباره ی رقص هندی با سختی های و مشکلاتی همراه بوده که محقق برای جبران آن از بسیاری از سایت ها و مقالات اینترنتی استفاده نموده است.

درباره ی پیشینه ی این پژوهش قابل ذکر است که تا کنون پژوهش مستقلی به بررسی تطبیقی در باب رقص در ایران و هند تا جایی که محقق در جریان می باشد، نپرداخته است. کارهای صورت گرفته به طور جداگانه به این مقوله پرداخته اند، در مورد رقص هندی و مناسک مربوط بدان نیز باید گفت تا آنجا که محقق جستجو کرده است، هیچ کتابی به طور تخصصی به این مقوله اختصاص نیافته است. از هدف های اصلی این پژوهش این است که شباهت ها و افتراق بین هند و ایران از لحاظ جایگاه حرکات موزون آیینی را مورد مطالعه قرار داده و با توجه به آثار باستانی یافت شده، قدمت یکسان این هنر در دو تمدن و تحلیل تاثیر مشترکی که هر دو تمدن از یونان طی قرون فراوان پذیرفته اند را به اثبات رسانیم.

دین های یک خدایی- مثل دین زرتشتی و یا اسلام کمتر از دین های چندخدایی- آن چنان که در هند و یونان بود- روحیه نمایش پذیری داشته اند. در دین های یگانه پرست حالت مطلق خدا و صورت ناپذیری او اولین تصویرهای تجسم بخشیدن به ماوراء طبیعت را نفی می کند، لذا طبیعی ست که این هنر در ایران به درخشانی هند نباشد اما هر دو از قدمتی طولانی در این زمینه برخوردارند. در این رساله سعی شده است جایگاه مهم و آیینی رقص را با اتکاء به شواهد باستانشناسی یافت شده در این دو تمدن نشان داده شود. رقص جزئی جدایی ناپذیر از نمایش است. عروسک های خیمه شب بازی که در آغاز به عنوان نمونه ای خام از انسان و خدا بودند، بعد ها تبدیل به موضوع هنری شدند که نمایش های موثری اجرا می کردند. این هنر در هند به قوت و قداست خود باقی ماند اما در ایران با وجود استمرار خود به دلایلی کم رنگ شد و قداست خود را تا حد زیادی از دست داد. از آنجا که محقق خود اهل خطه ی شمال بوده در اینجا سعی کرده ام ادای دینی به زادگاهم کرده و به ذکر نمونه های نمایشی موجود در مازندران و گیلان بپردازم، برای این مقصود از مقاله و کتاب های موجود بهره برده و در پاره ای موارد به دیده ها و شنیده های خود (برای مثال مطالب مربوط به شیلان در فصل ششم در ذیل مطالب مربوط به نمایش های آیینی در گیلان و مازندران) استناد نموده ام.

روش به کار رفته در این رساله روش کتابخانه ای بوده است. در قسمت انتهایی رساله پیوست عکس ها وجود دارد، در کنار توضیحات آمده در متن شماره ی مربوط به هر عکس در هر فصل به صورت مجزا شماره گذاری شده است. (برای مثال کوته نوشت ش.ش. ۱-۶، رقم اول، ۶، بیان گر شماره ی عکس و رقم دوم، ۱، نشاندهنده ی شماره ی فصل می باشد).

این پژوهش در مطالعات مربوط به پیشینه‌ی نمایش و جایگاه آن در ایران و هند و همچنین معقولات کلی هنر و تاریخ و مذهب در ایران و هند کاربرد دارد. امید است که مورد توجه دانشجویان و دانش پژوهان علاقمند به هنر، اساطیر و ادیان قرار گیرد و زمینه‌ای برای پژوهش‌های بیشتر و جامع‌تری در باب رقص در هند و به خصوص ایران در آینده گردد.

۱-۱. تاریخچه ی رقص

انسانها از آغاز پیدایش در همه جا و در همه دورانهای تاریخی به سبب سرشت طبیعی خود به هنگام شادی فراوان به جست و خیز بر می خاستند. نقاشی ها و علائم درون غارها مربوط به پیش از تاریخ در افریقا و جنوب اروپا، رقص انسانها را نشان می دهد. انسانهای نخستین با حرکت های مخصوص بدن، وضعیت اجرام آسمانی و موجودات مختلف را تقلید می کردند. آنها با رقصیدن می خواستند به طبیعت و خدایان چیزهای مفید بیاموزند یا تلقین کنند. در نیایش هایشان برای بدست آوردن توجه و لطف خدایان می رقصیدند. بسیاری از قبیله های سرخ پوست برای بارش باران و بدست آوردن محصول خوب، رقص های آئینی اجرا می کردند. بنابراین بسیاری از کارها از جمله بدست آوردن شکار کلان، گردآوری محصول، نیایش خدایان و نیز بیان ترس ها، امیدها و خواسته ها با رقص همراه بوده است. در کتاب مقدس عهد عتیق، کتاب دوم سموئیل نبی، باب ۶ آیه ی ۱۴ آمده است: «و داوود با تمامی قوت خود به حضور خداوند رقص می کرد.»

پانتومیم Pantomim از دو بخش «پانتو» به معنی «همه» و «میم» به معنی «تقلید، ادا و حرکت»، نمایشی است بدون کلام با حرکت های بدن به ویژه دست و صورت برای بیان حالت، احساس و اندیشه ها، در گذشته های دور، در بسیاری از کشورها چون مصر، هند، چین، ایران و ژاپن همراه با رقص و موسیقی اجرا می شدند. پانتومیم از قرن پنجم پیش از میلاد در یونان رواج داشت و در قرن اول پیش از میلاد در روم به صورت رقص یک نفره اجرا می شد. رقص بهاراتا نایتام در هند که حماسه ی مهابهاراتا^۱ را شرح می دهد بسیار شبیه پانتومیم است. در ایران لال بازی نیز رقص شاطری که مراحل آماده کردن و پختن نان را نمایش می دهد شبیه پانتومیم است. گروهی از دانشمندان علوم انسانی به ویژه مردم شناسان معتقدند جنبش ها و جست و خیزهای سرشتی و انفرادی انسانها به تدریج به پایکوبی ها و دست افشانی های موزون و دسته جمعی تبدیل شده است. نیز به تدریج از یکنواختی جست و خیزها، ضرب و ریتم های متنوع پدیدار شدند. ریتم نخست با کف زدن (چه زدن)، نواختن دست ها به ران ها و یا کوبیدن دو چوب به یکدیگر آغاز شد و سرانجام با زدن کننده های توخالی و طبل و دهل، توالی و توازن دست

Mahabharata یکی از بزرگ ترین سرودهای حماسی جهان که در آن جنگ میان دو خاندان پاندورا (Pandavas) و کاراوا (Kauravas) توصیف شده است. Maha به معنی بزرگ و Bharata به معنی هند بزرگ است. (از کتاب مقدمه ای بر هنر هند، آنانواکوماراسوامی، ترجمه دکتر امیر حسین ذکرگو، نشر روزنه، ۱۳۸۲).

افشانی ها و پایکوبی ها حفظ شد. با پدیدار شدن ریتم، رقص و پایکوبی، جنبش های موزونی شدند که در آن اندامهای بدن انسان همچون دست و پا، هماهنگ با یکدیگر به حرکت در آمدند و بدین گونه خواسته ها و هیجان های ویژه ای را بازگو می کردند. بدین گونه بود که رقص در میان مردمان باستان معانی و مفاهیم گوناگون جنگی، جذبه ای و عرفانی، دینی و آئینی، تقلیدی و نمایشی به خود گرفت و در دوره های مختلف تاریخ بشر، دگرگونی و تکامل یافت. (ذکاء. یحیی، ش. ۷۹-۸۰، ۱۳۴۲ و ش. ۸۶، ۱۳۴۳)

۱-۲. زمینه های فرهنگی سرزمینهای ایران و سند

روابط بین فلات ایران و سرزمینهای سند و پنجاب ریشه های عمیقی در دنیای باستان دارد. چنان که خواهیم دید، توجه به این مطلب از زمان کشف تمدنهای هاراپا و موهنجودارو و دیگر محوطه های شناخته شده ی تمدن سند آغاز شده و پس از کشف یک سلسله مواد فرهنگی، که بیش تر شبیه آنها در ایران نیز کشف شده بود، ادامه پیدا کرده است. پژوهشهای بعدی در دره ی سند و منطقه بلوچستان آثار دیگری فراهم آورد که با ایران ارتباط دارد یا منشأ آنها را می تواند در ایران ردیابی کرد بیشتر اطلاعات موجود، از محوطه های قدیمی به دست آمده است که بر سر راههای ارتباطی اصلی زمینی میان پاکستان و ایران قرار دارد. در سالهای اخیر در ایران پژوهشهایی صورت گرفته و مدارک جدیدتری در این زمینه ارائه شده است و به این ترتیب اطلاعات و دانسته های آن در مورد زمینه هایی پیش از تاریخ هر دو کشور افزایش یافته است.

۱-۳. دوره ی پیش از سندی- هاراپایی در هند

۱-۳-۱. محوطه های پیش از سند

سرجان مارشال در دهه بیستم سده ی گذشته میلادی حفاری مهم ترین محوطه های باستانی مربوط به دوران پیش از آیین ها، یعنی هاراپا Harappa و موهنجودارو Mohenjo-Daro، را آغاز کرد. در آن زمان آثار این تمدن عظیم به شکل یکی از وسیع ترین مراکز تمدنی دنیای باستان ظاهر و به سرعت در دنیای باستان شناسی مطرح و به این ترتیب تمدن سندی- هاراپایی در کنار تمدنهای بین النهرینی و مصری، یکی از نخستین خاستگاههای تمدنی و گذر از فرهنگ قدیم روستانشینی به مرحله جدیدتر تمدن شهرنشینی شناخته شد. یکی از مباحثی که باستان شناسان همواره و هنوز درباره ی آن بحث و گفت و گو می کنند و تاکنون توضیح قانع کننده ای برای آن پیدا نشده، ریشه های اولیه و علل پیدایش این تمدن است. بسیاری بر این پندار بوده اند که پیدایش ناگهانی این تمدن وسیع و پیشرفته، در نیمه دوم هزاره سوم پیش از

میلاد، نتیجه گسترش تمدن بین النهرین بوده است. این نظریه، امروز و با توجه به کشفیات باستان شناختی و تحقیقات جدیدتر و به خصوص کشفیات دشت جیرفت، که حتی اصل و ریشه بین النهرینی تمدن سومری را زیر سوال می برد، دیگر معتبر نیست. با آنکه در حال حاضر هنوز اطلاعات کافی در مورد تمدنها و فرهنگهای پیش از "تمدن سندی" در دست نیست، بسیاری از شواهد نشان می دهد که ریشه های تمدن سند را باید در همان منطقه جست و جو کرد.

در سند، مانند بلوچستان، اقتصاد کشاورزی و تأکید بر پرورش و نگهداری گاو مهم بود. فعالیتهای صنعتی نیز در آنجا توسعه پیدا کرد که نشانی از حضور صنعتگران تمام وقت یا نیمه وقت دارد. در سفالگری نیز صنعتگران به پیشرفتهایی نایل شدند و تفاوتهای موجود بین سبکهای گوناگون در دوره های مختلف به خوبی این نظریه تأیید می کند. به طور کلی می توان گفت که سفالگری غالب در سند از نوع قرمز- نخودی است و با آنکه سفال خاکستری رنگ نیز در میان آنها وجود دارد، از بلوچستان کمتر است. شکلهای مشخص سفالهای سندی عبارت اند از بشقابهای پایه دار، دیگها و ظروفی با لبه بیرون برگشته یا لبه های مضاعف. سایر اشیای سفالی عبارت اند از چهارچوب ارابه های اسباب بازی با چرخهای آن، تکه های مثلثی شکل و مقدار زیادی مهره، دستبند و پیکره. به استثنای تیغه های بزرگ سنگ چخماقی، بقیه ابزار سنگی منطقه سند به ابزار سنگی بلوچستان شباهت دارد. دوره ی هاراپا مهم ترین مشخصه سنت دشت سند است.

در حالی که در مناطق گوناگون جغرافیایی پاکستان و هندوستان تفاوتهایی بین فرهنگها و استقرار گاههای مراحل اولیه دوران مفرغ دیده می شود، تمدن سندی- هاراپایی نوعی یکسانی و هم نوایی فرهنگی در مناطق تحت نفوذ خود برقرار کرده که شناخت مراکز شهری این فرهنگ را آسان می کند.

از مکان های معروف سند یکی سوتکاگن دور است که یکی از چهار بندر اصلی تمدن سندی در کناره ی دریای مکران می باشد و سه بندر دیگر عبارت اند از بالاکوت و سوتکه کوه در بلوچستان و لوتان در گجرات.

محوطه های تمدن سند- هاراپایی به دو گروه اصلی و عمده ی شمالی یعنی منطقه پنجاب، که شهر عمده ی آن هاراپا است، و گروه جنوبی سندی، که مرکز اصلی آن موهنجودارو است، تقسیم می شود. به تعبیری دیگر فقط موهنجودارو در میان شهرهای مهم این تمدن در خود حوزه ی سند قرار گرفته است. در میان پیکره های جالب توجه پیدا شده در تمدن سند، مجسمه سنگی کاهن- شاه و مجسمه مفرغی دختر رقصنده، هر دو از موهنجودارو و متعلق به ۲۰۰۰ پیش از میلاد، از شکلهای نادری است که جلب توجه می کند (در ادامه به آن خواهیم پرداخت). اصل و ریشه تمدن سندی موضوع گفت و گوهای بسیار بین دانشمندان شده است، اما مدارک موجود درباره ی این مسئله بسیار اندک است. در ابتدای پیدایش آثار این تمدن برخی از باستان شناسان بر این نظر بودند که تمدن سندی به صورت ناگهانی و به شکل پیشرفته و در حدود سده ی ۲۴۰۰ پیش از میلاد،

تحت تأثیر و نفوذ تمدن بین النهرینی در این بخش از آسیا ظاهر شده است. این نظریه امروز کاملاً رد شده است. با آنکه اطلاعات موجود درباره ی استقرار گاههای پاکستان و شمال غربی هند در دوران پیش از تمدن سند هنوز کافی نیست. کاوشهای جدیدتر در مهر گره پاکستان نشان می دهد که در دشت کچی در کوه پایه های بولان حداقل از حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد تا هزاره ی سوم و حدود آغاز تمدن سندی، یک دوره ی کامل فرهنگی و تمدنی از دوران نوسنگی به بعد وجود داشته است و بنابراین ریشه های اولیه تمدن سندی را نیز باید در همین نقاط جست و جو کرد. بعضی از محوطه های دوران مفرغ شمال و شرق بلوچستان پاکستان دارای برخی مواد فرهنگی است که نمونه های اولیه مواد پیدا شده در محوطه های جدیدتر سندی محسوب می شود. بسیاری از باستان شناسان بر این باورند که محوطه کوت دیجی، حدود ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد، مستقیماً مادر تمدن سندی بوده و آن را با نام دوره ی هاراپای قدیم می خوانند. این احتمال نیز وجود دارد که شهرهای دوره ی هاراپای قدیم زمینه شهرهای بعد را طول رودخانه سند به وجود آورده باشد. آثاری به دست آمده که برای درک چگونگی محتوای فرهنگی این تمدن مفید است: از این چهار محوطه، دو شهر هاراپا و موهنجودارو در پاکستان و دو شهر لوتال و کالی بنگان در غرب هندوستان قرار دارد. این تمدن در ابتدا با نام تمدن هاراپا، یعنی جایی که ابتدا کشف شد، خوانده شد و سپس آن را تمدن ایندوس / سند نیز نامیدند. مناسبات این دو شهر، با آنکه حدود ۶۰۰ کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند، از نظر فرهنگی غیر قابل انکار است و این شباهتهای فرهنگی درباره ی همه شهرکها و روستاهای این دوران، که در این سرزمین پهناور واقع است، صدق می کند. (سید سجادی، ۱۳۸۸، صص. ۸۰-۸۱ و ۸۶)

موهنجودارو به معنای تپه مردگان، در ساحل راست و غربی رودخانه سند در ناحیه لارکانا در ایالت سند واقع است.

هاراپا در بخشهای شمالی رودخانه سند و ۶۰۰ کیلومتری موهنجودارو یا شهر مردگان، در کنار بستر رودخانه سوخاروا از شعبات رود راوی در ناحیه ی ساهی وال ایالت پنجاب واقع است و با هاریوپیا که نامش در کتاب مقدس هندیان، ریگ ودا، آمده منطبق دانسته شده است. بقایای باستانی این شهر را، پیش از آغاز کاوشهای علمی حدود یک صدسال پیش چارلز ماسون و افراد متعدد دیگر به صورت مختصر معرفی کرده اند. بنابر نظریات و عقاید رایج محلی، عیش و عشرت بیش از حد مردمان این شهر باعث سقوط آن شده است. اگرچه به نظر ویلر، سقوط هاراپا ارتباط مستقیمی با حضور آریاییها دارد. (همان، صص. ۱۰۰-۱۰۲)

تعداد اشیای منقول پیدا شده در هاراپا چشمگیر است و در بین این مجموعه می توان به ۷۰۰ عدد مهر، مقدار زیادی پیکره، اشیای خانگی، ابزار کار، جواهرات زینتی و بسیاری اشیای دیگر اشاره کرد. بیشتر پیکره های پیدا

شده در اینجا از گل پخته Terracotta ساخته شده اند و تعداد کمتری سنگی است. مهم ترین و اصلی ترین پیکره های انسانی پیدا شده از هاراپا و موهنجودارو از گل پخته ساخته شده و حدود ۲۰ سانتی متر ارتفاع دارد. حدود دو سوم این پیکره ها زنانه و نیمه برهنه (یا نیمه پوشیده) اند که در قسمت میانی بدن یک کمر بند، و روی گردن، دست و سر خود جواهراتی دارند در منابع باستان شناسی هندی، این پیکره ها ایزد- مادر، نام دارند و به الهه باروری منسوب اند، اما اینها نکاتی است که درستی و صحت آنها تاکنون به اثبات نرسیده است. در کنار مهر های مسطح با نقوش جانوران، مهرها و یا اثر مهرهای دیگری نیز پیدا شده که راوی برخی داستانها و روایتهای اساطیری افسانه ای است و در صحنه ها، در کنار انسانها و جانوران حقیقی، موجوداتی افسانه ای نیز دیده می شود که برای روشن کردن وضعیت اساطیری و مذهبی جامعه قدیم هاراپا دارای اهمیت است..

۲-۳-۱. پاکستان باستان

کشور پاکستان در کنار مرز جنوب شرقی ایران قرار دارد. این سرزمین از نظر جغرافیایی طبیعی به دو بخش کاملاً متمایز تقسیم می شود. این دو بخش عبارت است از: الف) منطقه کوهستانی بلوچستان در غرب و شمال غرب که یک سوم کل مساحت این کشور را تشکیل می دهد. ب) دشت وسیع و گسترده ی رودخانه سند که شامل بخشهای شرقی آن است. از لحاظ جغرافیایی، یکی از این منطقه ها، یعنی بلوچستان، ادامه ی طبیعی فلات ایران به سمت شرق است. پاکستان از آنجا که سرچشمه ی تمدن ها و ادیان بزرگی است که به وفور در این ناحیه پیدا شده، کشوری است یکتا. تمدن هایی با قدمت ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح و سرچشمه های بودیسم در تاکسیلا Taxila و مناطق شمالی، در کنار آن، باقی مانده های ناحیه ی رحمان دری Rehman Dheri (۳۳۰۰-۴۰۰۰ پ.ش) و تمدن های مشهور دره ی سند در پاکستان واقع است. ناحیه ای که تاکنون تجار و مهاجمان زیادی هم از سوی جنوب (اقیانوس هند)، هم از سوی شمال، غرب و شمال غربی (ایران و افغانستان) و مسافرانی که از چین آمده اند و در کنار آن، تاخت و تاز لشکر اسکندر مقدونی و مغولان را که این سرزمین ها را لگد مال سم های اسبشان نموده و فتح شان کردند، به خود دیده است.

از این منظر، بقایای باستانشناسی پاکستان به تمدن مهرگاره Mehrgarh که در حدود ۷۰۰۰ پیش از میلاد رونق داشت می رسد، دورانی که همزمان با تمدن مصر است. در نتیجه، تنوع وسیعی از بناهای معماری و بقایای

آنها که حاکی از آنند که چگونه تاریخ در این بخش از جهان صفحه های جدیدی را از آنچه از تمدن های کهن تر باقی مانده، سرچشمه های بودائیت، هندو، مسلمانان و معماری بریتانیایی می گشاید. حفاری ها تا از خاک بیرون آوردن معماری هاراپا، تاکسیلا، موهنجودارو، کوت دیجی *Kot Diji*، تخت بهای *Takht Bhai*، رحمان دری و هوند *Hund* ادامه داشت. و بیشتر از آن هنوز به ظهور رسیدن مناطق وسیع مخروطی و بی درخت در بلوچستان بود، یعنی بقایای یکی از قدیمی ترین تمدن های جهان، مهرگار *Mehrgarh* که کشف شد. با چنان گنجینه ی عظیم باستانی، پاکستان به داشتن این چند میراث باستانی و کهن به خود می بالد.

ترتیب زمانی این تمدن های به تدریج محو شده به این ترتیب می باشد: مهرگاره (۷۰۰۰ پ.م)، رحمان دری (۴۰۰۰ پ.م)، کوت دیجی و امری *Amri* (۳۰۰۰-۳۶۰۰ پ.م-۲۵۰۰ پ.م)، تمدن دره ی سند (موهنجودارو-هاراپا-۳۰۰۰-۱۵۰۰ پ.م) و بعد از آن تاکسیلا (۵۱۸ پ.م به بعد).

در حالی که بخش بیشتر آثار در پنجاب، سند و بلوچستان پیدا شده اند، نواحی شمالی نیز از نظر یافته های باستانشناسی و حکاکی های هنری متعلق به زمان پیش از تاریخ و پیدایش بودیسم حائز اهمیت می باشد. ([http://: Pakistan Paedia- Archaeology of Pakistan.com](http://Pakistan Paedia-Archaeology of Pakistan.com))

فعالیت های باستان شناختی در بلوچستان پاکستان سابقه ی زیادی دارد و در حقیقت تاریخچه اکتشافات باستان شناختی در آنجا و هند به بیش از تقسیم شبه قاره به کشورهای پاکستان، هندوستان، کشمیر و بنگلادش برمی گردد.

یکی از جنبه های مهم روابط فرهنگی بین ایران و پاکستان امروزی (شامل سند و پنجاب بلوچستان) راههای ارتباطی است که در قدیم مراکز اصلی تمدن های پیش از تاریخ را به یکدیگر وصل می کرد، ارتباط بین دو سرزمین از طریق همین راهها، تا دورانهای بعد هم ادامه پیدا کرد. در سرزمین ایران، که در میان تمدنهای خاورمیانه و خاور دور واقع است، سلسله کوههای اطراف بیابان مرکزی تأثیر زیادی بر وضعیت و مسیر راهها گذاشته و رفت و آمد را به راههایی در امتداد حواشی بیابان و دامنه کوهها منحصر کرده است، رفت و آمد در مناطق کوهستانی فقط از نقاط مشخص گذرگاههای طبیعی انجام می شود و سپس به داخل دشتها ادامه پیدا می کند. استقرار گاههای قدیم انسانی در کنار منابع آبی این دشتها واقع است. موانع طبیعی تأثیر زیادی در نگهداری و حفظ هویت فرهنگی و تداوم تاریخی آنها در جوامع انسانی دارد و مشاهده ی این نکته که چگونه مسیر راههای زمینی در زمانهای قدیم با زنجیره ای از استقرار گاههای ارتباطی به یکدیگر اتصال می یافتند و چگونه این خطوط ارتباطی در زمانهای جدیدتر هم استفاده می شده اند، شگفت آور است.